

آهسته به گوش گل

مجموعه رباعی و دوبیتی

عبدالمجید زنگویی

www.ketab.ir

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور : آهسته به گوش گل : مجموعه‌ی رباعی و دوبیتی /
عبدالمجید زنگویی.
مشخصات نشر : تهران: لیان، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری : ۱۲۲ ص، ۲۱/۵×۱۴/۵، ۲۱/۵×۱۴/۵ س م.
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۸۶۰۸-۵۴-۰
وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا
موضوع : شعر فارسی - قرن ۱۴
رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۴ آ ۹۸۵۵ ن / PIR ۸۰۷۶
رده‌بندی ده‌گانه : ۱/۶۲ فا ۸
شماره ثبت کتابشناسی ملی : ۴۰۶۲۵۱۵

آهسته به گوش گل

عبدالمجید زنگویی

شمارگان : ۵۰۰ دفتر
نوبت چاپ : اول
تاریخ انتشار : ۱۳۹۴
چاپ و صحافی : گوتنبرگ

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۶۰۸-۵۴-۰ ISBN: 978-964-8608-54-0

انتشارات لیان

تهران - سعادت آباد - بلوار دریا - خیابان ارغوان شرقی - کوی شهید - خیابان شقایق ۲ - پلاک ۱۰

همراه: ۰۹۱۲-۲۱۱۶۸۳۳ تلفن: ۰۲۱-۸۸۵۶۰۴۸۹

فهرست

شمار	عنوان	رویه
۱۵		۱۵
۱۷		۱۷
۱۷		۱۷
۱۷		۱۷
۱۸		۱۸
۱۸		۱۸
۱۸		۱۸
۱۹		۱۹
۱۹		۱۹
۱۹		۱۹
۲۰		۲۰
۲۰		۲۰
۲۰		۲۰
۲۱		۲۱
۲۱		۲۱
۲۱		۲۱
۲۱		۲۱
۲۲		۲۲
۲۲		۲۲
۲۳		۲۳
۲۳		۲۳
۲۳		۲۳
۲۴		۲۴

- ۲۴: ۲۴ دل دل مکن ای دوست، دلم خانه‌ی توست
 ۲۴: ۲۴ تا کعبه‌ی عشق من دل صاف شماست
 ۲۵: ۲۵ از خوی نکوهیده گسستم، ای دوست
 ۲۵: ۲۶ اینم خبر آمد که سحر نزدیک است
 ۲۵: ۲۷ موسیقی ناب من صدای خوش توست
 ۲۶: ۲۸ ر بال کبوتران دل، خون جاریست
 ۲۶: ۲۶ لبخند مبین ، وجود من پر درد است
 ۲۶: ۳۰ آهسته به گوش گل، سحر بلبل گفت
 ۲۷: ۳۱ بشوین زمانه خانه ام بگرفته است
 ۲۷: ۳۲ نالی که سرد و رمز آن نزد شماست
 ۲۷: ۳۳ دریای خروشان نام پر غوغاست
 ۲۸: ۳۴ شهری است که بود آن بر از لای و گل است
 ۲۸: ۳۵ یک بار دگر دل از علم ا شده است
 ۲۸: ۳۶ مجنون صفتی و رهبری پر شو، است
 ۲۹: ۳۷ در حاشیه‌ی سیاه شب است
 ۲۹: ۳۸ این جاست که بوی عشق و عرفان جا است
 ۲۹: ۳۹ تنها به تو اندیشم و دیگر همه هیچ
 ۳۰: ۴۰ با تیشه‌ی خشم و کین و با تیغ عناد
 ۳۰: ۴۱ این قافله تا به کی، کجا می راند
 ۳۰: ۴۲ از کیسه‌ی ما داد و دهش می کردند
 ۳۱: ۴۳ در خوف و رجايمان نگه داشته اند
 ۳۱: ۴۴ لب ، لب جو گشوده شد دهانم بستند
 ۳۱: ۴۵ شادی بشده است و تاب در تن نبود
 ۳۲: ۴۶ می گفت و بسی چهره بر افروخته بود
 ۳۲: ۴۷ زین کوچه گذر مکن ، که رندان بستند
 ۳۲: ۴۸ پایت لب گور است تظاهر تا چند
 ۳۳: ۴۹ این جا هنر و عشق به چیزی نخرند
 ۳۳: ۵۰ باران که نیاید همه بیمار شوند
 ۳۳: ۵۱ دل ، آینه‌ی لطف و صفا بشکستند
 ۳۴: ۵۲ ابلیس به ما وعده‌ی شیرین می داد
 ۳۴: ۵۳ شیپور سپیده گفت: بیدار شوید!

- ۵۴: این جام که شوکران در آن ریخته‌اند..... ۳۴
- ۵۵: از خوان شما مرا نصیبی نرسید..... ۳۵
- ۵۶: با قافله‌ی عشق سفر خواهم کرد..... ۳۵
- ۵۷: پیراهن عاریت نخواهم پوشید..... ۳۵
- ۵۸: عارف سخن از مهر و صفا می گوید..... ۳۶
- ۵۹: با شعبده عقل و هوشمان دزدیدند..... ۳۶
- ۶۰: باران ، سخن از لطف و صفا می گوید..... ۳۶
- ۶۱: یلدا به شما مبارک و میمون باد..... ۳۷
- ۶۲: آمدنت بهار هم می آید..... ۳۷
- ۶۳: شب پرده بر آورده مبادا خورشید..... ۳۷
- ۶۴: گر خاک بار خیزد بگردم چه شود..... ۳۸
- ۶۵: روزی به دیار من سفر خواهی کرد ؟..... ۳۸
- ۶۶: بر زانوی غم نشانی سر تا چند..... ۳۸
- ۶۷: وقتی که بیایی همه خوش رو گردند..... ۳۹
- ۶۸: از برق نگاه تو دل می نسزد..... ۳۹
- ۶۹: این درد بزرگ تا به جگر من نرسد..... ۳۹
- ۷۰: با مغلطه ای که بهر ما می خوانند..... ۴۰
- ۷۱: پیغام تو عشق ، با خودش می آرد..... ۴۰
- ۷۲: دل می رود از کفم ، تو را می خواهم..... ۴۰
- ۷۳: آتش به تمام نی ستانم افتاد..... ۴۱
- ۷۴: داسی ز قضا به جان باغم افتاد..... ۴۱
- ۷۵: از خانه‌ی ما باد خزان می گذرد..... ۴۱
- ۷۶: خورشید سپهر جان تو تابان باد..... ۴۲
- ۷۷: تردید مکن، بهار خواهد آمد..... ۴۲
- ۷۸: ای کاش بهای دانه می دانستند..... ۴۲
- ۷۹: ای کاش به راستی بهای می دادند..... ۴۳
- ۸۰: با جنگ و جدل کار به سامان نرسد..... ۴۳
- ۸۱: این جاذبه تو را به نا کجا خواهد برد..... ۴۳
- ۸۲: دیوی به درون خود نگه داشته‌اند..... ۴۴
- ۸۳: در سینه‌ی خود تو را نهان خواهم کرد..... ۴۴
- ۸۴: روزی که مرا به چاه غم افکندند..... ۴۴

- ۸۵: میلاد گلی تازه جهان آرا شد..... ۴۵
- ۸۶: بر حال کویر ، آسمان می گرید..... ۴۵
- ۸۷: باران دل باغ ما جلا می بخشد..... ۴۵
- ۸۸: از شهد لبش شراب خواهم نوشید..... ۴۶
- ۸۹: با گام تو خانه ام مقطر گردد..... ۴۶
- ۹۰: نوروز شما خجسته و میمون باد..... ۴۶
- ۹۱: نامت چو مرا به کوچه ها عابر کرد..... ۴۷
- ۹۲: ای نسیم! به باخیز ، زمان می گذرد..... ۴۷
- ۹۳: باران خیر از عطر بهاران آرد..... ۴۷
- ۹۴: این رند ، آب بر سر دار کنید..... ۴۸
- ۹۵: شاعر غم ساند مور تلاش دارد..... ۴۸
- ۹۶: خامش چه شست ای کز گنجت بردند..... ۴۸
- ۹۷: گفتند که لحظه مان بریناک کنند..... ۴۹
- ۹۸: با کعبه ی گل مرا ریت نهد..... ۴۹
- ۹۹: خورشید رخس به عمق سب می نازد..... ۴۹
- ۱۰۰: شیطان صفاته با بشر می جنگد..... ۵۰
- ۱۰۱: شهری است که مردمش به غم می زند..... ۵۰
- ۱۰۲: دیوار غرور ما فرو ریخت اگر..... ۵۰
- ۱۰۳: ما را ز خرد تهی نمودند اغیار..... ۵۱
- ۱۰۴: گلخانه ی فکرش گل آورده به بار..... ۵۱
- ۱۰۵: من کعبه ی دل ، دور بگشتم ، تو چطور؟..... ۵۱
- ۱۰۶: کو رند خراباتی غوغا گر ییر..... ۵۲
- ۱۰۷: این مدرسه تعطیل نمودن بهتر..... ۵۲
- ۱۰۸: ای فتنه ! مزن تو بیش از این مارا نیش..... ۵۲
- ۱۰۹: بی تو نه کتابی گیردم دست و نه کیش..... ۵۳
- ۱۱۰: توفان که رسید باغ لرزید به خویش..... ۵۳
- ۱۱۱: از کوثر لب شراب شیرازم بخش..... ۵۳
- ۱۱۲: فرزانه به گوشه ای خزیده است خموش..... ۵۴
- ۱۱۳: نقشی به دلم فتاده از گلشن عشق..... ۵۴
- ۱۱۴: ما آینه ایم و سنگ با ما در جنگ..... ۵۴
- ۱۱۵: ای گوهر پر بهای دریای کمال..... ۵۵

- ۱۱۶: ما کعبه‌ی جان درون دل ساخته ام..... ۵۵
- ۱۱۷: این ، شوره زمین بود که گندم کشتیم..... ۵۵
- ۱۱۸: با شعر و هنر جهان مستخر سازیم..... ۵۶
- ۱۱۹: با این همه سنگ و یخ ، چه تدبیر کنم..... ۵۶
- ۱۲۰: دیواره‌ی فکر شب فرو می ریزیم..... ۵۶
- ۱۲۱: من کعبه درون سینه ام کاشته ام..... ۵۷
- ۱۲۲: ما طرح بزرگ را نمی دانستیم..... ۵۷
- ۱۲۳: با تیر قلم به دیو و دد می تازیم..... ۵۷
- ۱۲۴: باور من ای عشق که دل سوخته ام..... ۵۸
- ۱۲۵: ر حاشیه ایم و متن را می خوانیم..... ۵۸
- ۱۲۶: ز آن ده به سرو عاشقی سر دادیم..... ۵۸
- ۱۲۷: گم گشته‌ی کوره ، اه بد فرجامیم..... ۵۹
- ۱۲۸: این قفل به این به ، فن باز کنیم..... ۵۹
- ۱۲۹: من از قلم و کتب دفتر گویم..... ۵۹
- ۱۳۰: در دایره ای که گزینار شدیم..... ۶۰
- ۱۳۱: با عشق و خرد دور چهار می..... ۶۰
- ۱۳۲: یک روز به چنگال توهم هستیم..... ۶۰
- ۱۳۳: آن سان به هوای دیدنت مست شدیم..... ۶۱
- ۱۳۴: خود قد بکشیم و زندگی ساز شویم..... ۶۱
- ۱۳۵: بیدار دلان دیدگان در خوابیم..... ۶۱
- ۱۳۶: از عمق افق ، حجم هوا ریخت به هم..... ۶۲
- ۱۳۷: با دیو اگرچه خود در انداخته ایم..... ۶۲
- ۱۳۸: در بحر دو چشم تو خدا را دیدم..... ۶۲
- ۱۳۹: گاهی ز جنایات زمان می شنوم..... ۶۳
- ۱۴۰: عشق است که شعر می سراید ، نه منم..... ۶۳
- ۱۴۱: آن رود که خشک و بی نوا مانده منم..... ۶۳
- ۱۴۲: من عاشق و بیقرار و سرمست توام..... ۶۴
- ۱۴۳: تا برق نگاه را به چشم دیدم..... ۶۴
- ۱۴۴: نقشی که زدی منش به دل کاشته ام..... ۶۴
- ۱۴۵: عمری است که رنگ و حیلها می بینم..... ۶۵
- ۱۴۶: آگاه نبودم که به دام افتادم..... ۶۵

- ۱۴۷: هم کردم و یارس هم لرم، گیلانم..... ۶۵
- ۱۴۸: آن گونه پر از غمم که نابود شدم..... ۶۶
- ۱۴۹: چون نام حبیب بر زبان می آرم..... ۶۶
- ۱۵۰: فریاد بر آورم که عاشق هستم..... ۶۶
- ۱۵۱: ما چار رفیق راه و نیک آیینیم..... ۶۷
- ۱۵۱: ای پنجره اخم خویش امشب وا کن..... ۶۷
- ۱۵۲: شک آمد و خیمه زد بر اندیشه‌ی من..... ۶۸
- ۱۵۴: باد است که داغ می نهد بر پستان..... ۶۸
- ۱۵۵: دیدار حبیب آرزومندم من..... ۶۸
- ۱۵۶: ای شوق غبار بخش و زاینده‌ی من..... ۶۹
- ۱۵۷: ای دوست دمی با و شادایم کن..... ۶۹
- ۱۵۸: از خواب فروم بیدارم کن..... ۶۹
- ۱۵۹: تلواسه مرا کاشانه با مرز جنون..... ۷۰
- ۱۶۰: مضمون جهان پر رنج و غایب تو..... ۷۰
- ۱۶۱: افسردگی و درد، و بال من و تو..... ۷۰
- ۱۶۲: ای فتنه! چه زخم‌ها که خوردیم از تو..... ۷۱
- ۱۶۳: ای دیو هزار چهره ما را چه گناه..... ۷۱
- ۱۶۴: این سایه‌ی چیست می فتد گاه به گاه..... ۷۲
- ۱۶۵: یک چند مرا پیرو سخندان گشتی..... ۷۲
- ۱۶۶: این باد، ثمر نداشت، جز ویرانی..... ۷۳
- ۱۶۷: شعر و غزلی سرودی و گل گفتی..... ۷۳
- ۱۶۸: این جان به برادری، نه خویشاوندی..... ۷۳
- ۱۶۹: باران! چه صفا به بحر و بر آوردی..... ۷۴
- ۱۷۰: ز آن دم که به اقلیم دلم بنشستی..... ۷۴
- ۱۷۱: تو فاتح اقلیم دلی حیرانی..... ۷۴
- ۱۷۲: یک بار، بگو به محفلم می آیی؟..... ۷۵
- ۱۷۳: ای کاش شبی رام و به کامم باشی..... ۷۵
- ۱۷۴: باران! چه طروات و صفا آوردی..... ۷۵
- ۱۷۵: روزی که اراده ات دگرگون کردی..... ۷۶
- ۱۷۶: ای کاش مرا بود پر پروازی..... ۷۶
- ۱۷۷: در آتش جهل خود فرو افتادی..... ۷۶

- ۱۷۸: تو شاهد شوخ و شنگ اشعار منی ۷۷
- ۱۷۹: عیبم مکن ار بگویم ایمان منی ۷۷
- ۱۸۰: ای باغ چه زود خشک و بی برگشتی ۷۷
- ۱۸۱: بر دار جماعتی کر و کور شدی ۷۸
- ۱۸۲: آتش شدی و به خانه ام افتادی ۷۸
- ۱۸۳: پر فیض ز نور آفتابم کردی ۷۸
- ۱۸۴: دوزخ تو برای خویشتن ساخته ای ۷۹
- ۱۸۵: تا اشک نکنی سوی حقیقت نرسی ۷۹
- ۱۸۶: رب حبابی شعر و جان گفتار منی ۷۹
- ۱۸۷: زورش خوی تر از فرشتگان میمانی ۸۰
- ۱۸۸: اسرار دین و دهر فرهنگ و ادب ۸۰
- ۱۸۹: دریای گهر به گوهری داد ز دست ۸۰
- بنیاد سعادت که سخن ترا شد ۸۱
- ۱: کانون سخنوران دانا جاس ۸۳
- ۲: بنیاد سعادت که سعادت است ۸۳
- ۳: تا یکصد و بیست پشت سر بهادی ۸۳
- ۴: تا خانه ما به بخت بیدار نشست ۸۴
- ۵: صد نه، تو بگو هزارها فرزانه ۸۴
- چند رباعی عاشقانه ۸۵
- ۱: عشقی است مرا که شور عالم با اوست ۸۷
- ۲: عشقی است مرا که زندگی ساز شده است ۸۷
- ۳: عشقی است مرا که نور حق زاید از او ۸۷
- ۴: عشقی است مرا که سایه ساران ماند ۸۸
- ۵: عشقی است مرا که نور مهرش خوانند ۸۸
- ۶: عشقی است مرا که بحر و بر نشناسد ۸۸
- ۷: عشقی است مرا، که او من و من اویم ۸۹
- ۸: عشقی است مرا که شور و حالی دارد ۸۹
- ۹: عشقی است مرا که روح و جانم همه اوست ۸۹
- ۱۰: عشقی است مرا که تار و پودم با اوست ۹۰
- دو بیتی ها ۹۱
- ۱: مرا در شهر شب شد کار مشکل ۹۳

- ۲: شرابِ شعر تو آتشفشان است ۹۳
- ۳: مسلمانی نبُد ، یا من ندیدم ۹۳
- ۴: قلم بهتر ز برنو کارگر شد ۹۴
- ۵: تو زیبا تر گل باغ بهاری ۹۴
- ۶: تو کیش ات ، کیش مهر و چامه از مهر ۹۴
- ۷: نازم با تو من یک جو سر جنگ ۹۵
- ۸: مو قربون دل پاکت بگردم ۹۵
- ۹: سحر ز پیش بانگ صبح در پیش ۹۵
- ۱۰: بر بوشه ی ندانم یا که شیراز ۹۶
- ۱۱: من از این و بلم گفتم و او تیر ۹۶
- ۱۲: غنا هشتی سگِ تم را هم ریخت ۹۶
- ۱۳: بهشت عدن فایم تری تو ۹۷
- ۱۴: دروادم بر تو باد ای درنا بر دوست ۹۷
- ۱۵: تو خود هم شاعر و هم شعر ناب ۹۷
- ۱۶: گوزن افتاد و صحرا لاله کون شد ۹۸
- ۱۷: درخت افتاد، امنِ عیشِ جان نیست ۹۸
- ۱۸: گهی آیینه بندگان می کشم ۹۸
- ۱۹: چراغی پیش رویم بر نمودی ۹۹
- ۲۰: دل لیلایی ات قریبان بگردم ۹۹
- ۲۱: سرای ما پر از نیرنگ و رنگ است ۹۹
- ۲۲: تویی سر خیل زیبایان شیراز ۱۰۰
- ۲۳: فدای خلق نیکویت بگردم ۱۰۰
- ۲۴: پیامت گوش جانم می نوازد ۱۰۰
- ۲۵: سرودت هدیه های ماندگار است ۱۰۱
- ۲۶: تو پرچمدار عشقی ، پر ز شوری ۱۰۱
- ۲۷: سر و جان و دلم قریانی تو ۱۰۱
- ۲۸: من آن رندم که آیینم شکستم ۱۰۲
- ۲۹: قناری در قفس فریاد می کرد ۱۰۲
- ۳۰: چه دردی بود و دردِ دردناکی ۱۰۲
- ۳۱: گل اندامان صفا دادند مارا ۱۰۳
- ۳۲: ز شیراز رخت گل می زند سر ۱۰۳

- ۳۳: رخ اندر رخ ، دو آینه ، دو گلخند ۱۰۳
- ۳۴: دو شهر آشوب چشمانت چو دریاست ۱۰۴
- ۳۵: اسیرم در جهان زرق کردی ۱۰۴
- ۳۶: یکی داد و یکی بیداد می کرد ۱۰۴
- ۳۷: مرا زنجیری سحر نمودی ۱۰۵
- ۳۸: اگر روزی ببینم روی یارم ۱۰۵
- ۳۹: خوش آن گاهی که من دیوانه گشتم ۱۰۵
- ۴۰: به شب از رخت خو کرده ام من ۱۰۶
- ۴۱: دل شیرازی ات را دوست دارم ۱۰۶
- ۴۲: بی رویی به قلم خانه کرده ۱۰۶
- ۴۳: زم بگرزسته ای خوش کشور جان ۱۰۷
- ۴۴: سه گل بگرز به تا شاعر، سه خوش خو ۱۰۷
- ۴۵: شبی در خانه ، سرم نیستی ۱۰۷
- ۴۶: گل از باغ بهشد آمده ام هو؟ ۱۰۸
- ۴۷: به گوشم داستان عشق حوای ۱۰۸
- ۴۸: هوا آبستن ابری است بر ۱۰۸
- ۴۹: بخواندم قصه های تلخ و شیرین ۱۰۹
- ۵۰: حضوری سبز و مهر انگیز داری ۱۰۹
- ۵۱: ز گلزار رخت کی سیر کردم ۱۰۹
- ۵۲: قلم جای خود اما روزگاری ۱۱۰
- ۵۳: از آن روزی که صحبت رفت از درد ۱۱۰
- ۵۴: مرا پیغام آوردی پرستو ۱۱۰
- ۵۵: ستیغ کوه در چنگ عقاب است ۱۱۱
- ۵۶: یکی گفت از تگرگ و آفت از زاغ ۱۱۱
- ۵۷: سخن از شعر مفتون است این جا ۱۱۲
- ۵۸: حضور روح مفتون آشکار است ۱۱۲
- ۵۹: عجب نقشی زدی بر خانه ی دل ۱۱۲
- ۶۰: حضورت مجلس آرای دلم شد ۱۱۲
- چند گفت و شنود شاعرانه ۱۱۳